

وداع با "مارکوس ولف" در گورستان

سوسیالیست های برلین

گزارش آبتین سرمدی

"مارکوس ولف"، مرد پشت پرده 4 دهه پیکار در راه صلح و سوسیالیسم، که در برلین چشم بر جهان فرو بسته بود، سرانجام روز شنبه 25 نوامبر 2006 در ساعت 12 ظهر به خاک سپرده شد. او را در گورستان سوسیالیست های برلین و با حضور بیش از 5 هزار نفر از سیاستمداران، همکاران، هنرمندان و دوستداران ولف و آثار او، در فاصله کمی از قبر پدر و و در کنار قبر برادر کوچکترش "کنراد ولف" به خاک سپردند. ولف هوشیارترین چشم و گوش در آلمان دمکراتیک بود.

هنگام خاکسپاری ولف، رمانس های روسی مورد علاقه او از دوران جنگ و صلح در محوطه گورستان پخش شد و سپس سفیر روسیه بعنوان اولین سخنران در مورد او گفت: «آلمان یکی از با اهمیت ترین فرزندان خود و روسیه یکی از بهترین دوستان خود را از دست داد. شناخت از جامعه، فرهنگ و زبان روسی، ولف را به یکی از با اهمیت ترین روس شناسان دوران ما تبدیل کرده بود. ولف برای من مردی است که به اعتقادات و ایده آل های خود در سخت ترین دوران ها تا به آخر وفادار ماند. او مردی بود با فراست و تیزهوش که گفتار و کردارش از هم جدا نبود. به همین دلیل در سرزمین من کسان زیادی به او فکر می کنند. در میان آنها "پریماکف" است که از او بعنوان فرد بسیار برجسته و انسانی بزرگ یاد می کند. مارکوس ولف خود بارها تاکید کرده بود که "دوستان هرگز نمی میرند". حق با او بود. ما او را در قلب های خود جاودانه زنده نگه خواهیم داشت، گرچه کمبود او را در جوار خود همواره احساس خواهیم کرد.»

مارکوب ولف با محافل هنری هم در روسیه و هم در آلمان ارتباطی گسترده و وسیع داشت. او دوران نوجوانی خود را پس از مهاجرت به اتحاد شوروی در سال 1933 در مسکو و در خیابان آربات گذراند. در این خیابان هنرمندان بزرگی مانند پوشکین، مایاکوفسکی و بسیاری از هنرمندان معاصر زندگی کردند. مارکوس از طریق پدر خود که پزشک، روزنامه نگار، نویسنده ای برجسته و صاحب نام بود با محافل هنری از همان دروان آشنا شد و با آن ها تا پایان دوران زندگی خود ارتباطی تنگاتنگ داشت. ولف نه تنها از انسان شناختی وسیع داشت، بلکه هنرمندان و روحیه حساس آنها را بخوبی می شناخت و به همین دلیل وقتی در اواخر دهه 1970 در آلمان دمکراتیک فاصله ای بین جامعه هنرمندان و دولت، بخاطر سانسور ناهموار شده و عده ای از آنان آلمان دمکراتیک را به قصد جمهوری فدرال آلمان ترک کردند، با بسیاری از آنان به گفتگو پرداخت. در این گفتگوها حساسیت های لحظه راگوشزد کرد و در عین حال جانب آنها را نیز گرفته و از حکومت وقت بخاطر اعمال سانسور انتقاد کرد. او در این مورد، در کتاب معروف خود بنام "ترویکا" نوشت:

«ما این پند قابل اعتماد لنین را که می گفت "ضرورت دارد از اشتباهات خود آشکارا سخن بگوئیم، حتی اگر دشمن از آنها سوء استفاده کند" را بسادگی بدست فراموشی سپردیم. حتی ما هشدار هنرمندان بیدار خود را هم که می گفتند «اگر ما مسائل و مشکلاتمان را آشکارا عنوان نکنیم، دیگران به سبک و روش نادرست خود این کار را خواهند کرد. هر چند که ما معتقد باشیم که تاریخا حق با ماست، اما این به آن مفهوم نیست که در هر دقیقه و در هر شرایط و در هر گام که برمیداریم حق با ماست" را بدست فراموشی سپردیم.

شاید با آگاهی از این نظرات و نوشته های ولف بود که سخنران بعدی مراسم خاکسپاری او "مانفرد وک ورت" کارگردان تئاتر و سینما، ضمن ستایش از ولف بعنوان انسانی بزرگ و

فراموش نشدنی گفت: او برای تبدیل نشدن جنگ سرد به جنگ گرم تلاش های زیادی کرد. نقش او در این پروسه زمانی برجسته تر می شود که در نظر بگیریم چگونه سازمان های امنیتی و جاسوسی امروز تمام کوشش خود را بکار می برند که جنگی پس از جنگی دیگر آغاز شود.

"رناته ریشر" هنر پیشه سینما بعنوان نماینده هنرمندان، "هانس مودرو"، "لوتار بیسکی" و تنی چند از سیاستمداران حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان در کنار قبر ولف سخن گفت. "موریس مبل" یکی از پزشکان معروف آلمان دمکراتیک و دوست دوران نوجوانی ولف در مسکو، در کنار گور ولف در مصاحبه ای با خبرنگاران روسی، به زبان روسی گفت: «او نه تنها کمونیستی شریف بود، بلکه دشمن سرسخت فاشیسم هم بود. او برای فاشیسم زدائی در آلمان دمکراتیک کارهای زیادی انجام داد. اقدامات او هرگز فراموش نخواهد شد».

هنگام خاکسپاری، دسته گل های پر شماری از طرف احزاب، سازمان های دمکراتیک، کمونیستی و ضد فاشیستی از سراسر جهان و بویژه روسیه کنار گور ولف گذاشته شد. در مراسم یادبودی که بلافاصله پس از مراسم به خاکسپاری ولف برگزار شد، یکی از همکاران او که زمانی طولانی در زندان های غربی بسر برده بود، گفت: ما دروان های سختی را تحمل کردیم و سرافراز از آن بیرون آمدیم. دوران های بسیار سخت تری را در پیش روی خود داریم. نبرد و تلاش های ما بیهوده نبود، زیرا بخاطر استقرار عدالت بود. هرچه صحنه مبارزه را باختیم، اما نبرد ما همچنان ادامه دارد. ولف در 9 نوامبر 2006 در سن 83 سالگی به آرامی در برلین درگذشت و برای همیشه خاموش شد. او کتاب های فراوانی نوشته که "ترویکا"، "دوستان هرگز نمی میرند" و "رمز آشپزخانه روسی" از معروف ترین آنها هستند.

(نخستین گزارش و خبر مرگ مارکوس ولف را که در راه توده منتشر شد، از اینجا بخوانید.)

راه توده شماره 113
27.11.2006